# خطای استراتژیک در الگوی کشورداری دینی

## پاسخ‌های دکتر ابوالقاسم فنایی به پرسش‌های گفتمان الگو درباره بحران روش در الگوی پیشرفت

مصطفی غفاری

**ابوالقاسم فنایی استاد مؤسسه مطالعات اسلامی بیرمنگام، از دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم و دارای دکترای «فلسفه اخلاق» از دانشگاه شفیلد است. وی دیدگاهی تکثرگرایانه و رویکردی اخلاق‌گرایانه به دین دارد و برخی آثار وی مانند «اخلاق دین‌شناسی» به عنوان یکی از بهترین آثار روشنفکری پس از انقلاب اسلامی، مقبول طبع روشنفکران دینی واقع شده است. فنایی برخی پیش‌فرض‌های سؤالات ما را به نقد کشیده است. او می‌گوید سهم اخلاق در الگوی پیشرفت کشور ما به اندازه سهم علم دیده نشده و این مسأله آسیب‌زا است. وی همچنین معتقد است که نظر اسلام درباره الگوی کشورداری و بحران روش، می‌تواند چیزی از سنخ امضا و تنفیذ و حتی سکوت و واگذاری آن به عقل و تجربه بشری باشد.**

**به نظر می‌رسد با گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب و برپایی نظام اسلامی، به تدریج دشواری‌های تأمین توأمان دنیا و آخرت مردم بیشتر آشکار می‌شود. به دلیل قرار گرفتن اسلام‌شناسان در مقام مدیریت جامعه اسلامی و سروکار داشتن با نیازهای عینی مردم، اکنون سخن از سطح اندیشه سیاسی گذشته و به الگوی کشورداری رسیده است. در واقع جمهوری اسلامی باید نشان دهد که در عمل به عنوان نظام اسلامی چه تفاوت‌هایی در زمینه الگوی پیشرفت و سبک کشورداری نسبت به دیگران دارد. همچنین ناگزیر است که وجه اسلامی بودن خود را نیز که هویت آن را می‌سازد، رعایت کند. در حالی که به نظر می‌رسد نه روش‌های سنتی معمول در حوزه‌های علمیه پاسخگوی تام و تمام تأمین وجه دینی این الگو هستند و نه روش‌های صرفاً آکادمیک مبتنی بر علوم انسانی و اجتماعی (بدون نقادی و اصلاح) به کار نظام اسلامی خواهند آمد. در چنین شرایطی از حیث روشی گویا با یک خلأ یا بحران روشی مواجه هستیم؛ هم در عرصه تولید علم و هم در قلمرو الگوسازی و البته هم در زمینه بهره‌گیری از دانش و الگوی دیگران. حال از نگاه شما چه ملاحظات مبنایی باید در وضعیت کنونی رعایت گردد؟**

به نام خداوند بخشنده مهربان. پیش از پرداختن به پرسش‌های شما مایلم به برخی از پیش‌فرض‌های نهفته در طلیعه سخنان شما پیش از طرح پرسش‌ها اشاره کنم و ملاحظاتی را درباره آن‌ها مطرح کنم. این پیش‌فرض‌ها به شرح زیرند:

۱. نظام اسلامی به نحو توأمان مسئول تأمین دنیا و آخرت مردم است.

۲. نظام اسلامی در زمینه الگوی پیشرفت و سبک کشورداری حتماً باید تفاوت‌هایی با سایر نظام‌های سیاسی داشته باشد.

۳. روش‌های صرفاً آکادمیک مبتنی بر علوم انسانی و اجتماعی (بدون نقادی و اصلاح) به کار نظام اسلامی نمی‌آیند.

اجمالاً عرض می‌کنم که این پیش‌فرض‌ها مورد سؤال‌اند و شک و تردید جدی درباره صدق‌شان وجود دارد. مثلاً برخی بر این باورند که نظام اسلامی صرفاً مسئول تأمین آخرت مردم است، زیرا اگر آخرت مردم تأمین شود، دنیای آنان به خودی خود تأمین خواهد شد. این دیدگاه مبتنی بر این پیش‌فرض است که مشکلات دنیوی مردم به خاطر غفلت آنان از آخرت و عدم تلاش‌شان برای آبادکردن آخرت است. بنابراین، اگر مردم هم و غم خود را مصروف آبادکردن آخرت خود کنند، خداوند تأمین دنیای آنان را به‌عهده خواهد گرفت و در واقع پیشاپیش رفاه و رونق دنیای آنان را تضمین کرده است؛ یعنی رفاه و رونق دنیا در حقیقت پاداش دنیوی تلاش برای آبادکردن آخرت است. هواداران این دیدگاه می‌توانند به سود دیدگاه خود به شواهدی از متون دینی نیز استناد کنند.

از سوی دیگر، ممکن است کسانی ادعا کنند که نظام اسلامی، مثل سایر نظام‌های دیگر، صرفاً مسئول تأمین دنیای مردم است و دخالت آن در تأمین آخرت مردم نتیجه معکوس به بار خواهد آورد. این گروه نیز می‌توانند به سود مدعای خود به مطالعات تجربی و شواهد تاریخی تکیه کنند؛ مطالعات و شواهدی که نشان می‌دهد دخالت دولت در این زمینه هم موجب دولتی شدن دین و پیروی دین از سیاست می‌شود و هم واکنش منفی مردم را در پی خواهد داشت و به دین‌گریزی و ویرانی آخرت منجر خواهد شد. بگذریم از اینکه اصولاً تحمیل یا تبلیغ دین با استفاده از امکانات دولتی با سرشت دین‌داری سازگار نیست. به تعبیر روشن‌تر، ادعا این است که تأمین آخرت مردم را باید به «نهاد دین» به عنوان یکی از نهادهای مدنی مستقل از دولت وانهاد. استقلال نهاد دین و نهاد سیاست از یکدیگر به معنای عدم دخالت نهاد سیاست در نهاد دین نیز هست. بر اساس این دیدگاه، حداکثر و بهترین و بزرگترین خدمتی که دولت می‌تواند برای تأمین آخرت مردم بکند این است که اولاً مانعی بر سر راه دینداری آنان ایجاد نکند و ثانیاً از رهگذر تأمین حداقل معیشت و رفاه دنیوی و برآوردن نیازهای اولیه شهروندان، زمینه مساعدی برای دینداران ایجاد کند که در سایه آن بتوانند با امنیت و فراغت خاطر و به میل و اختیار خود برای تأمین آخرت خود بکوشند. در مورد این پیش‌فرض و سایر پیش‌فرض‌های مذکور ملاحظات دیگری نیز وجود دارد که در اینجا نمی‌توان به آن‌ها پرداخت.

اما در پاسخ پرسش اول شما، مبنی بر اینکه «چه ملاحظات مبنایی باید در وضعیت کنونی رعایت گردد؟»، ناگزیرم به ذکر چند ملاحظه اکتفا کنم، با تأکید بر اینکه بدون